

«داغ لعتی (۹)» و سپس «در خون (۱۰)» گذاشت. داستان در مورد هستر است؛ مادری تنها، بی سرپرست و بی خانمان که صاحب پنج فرزند است و در داخل شهری زندگی می‌کند که تصورات منفی نسبت به اینگونه افراد دارند. این نمایشنامه جزو فهرست نهایی آن سال برای جایزه پولیتزر بود. افراد شهر به نظر می‌رسد که هر کدام به نحوی به هستر کمک می‌کنند ولی در خلوت محرمانه درمی‌یابیم که هر کدام چقدر بی‌رحم هستند و چگونه می‌خواهند از او سوءاستفاده کنند. وفاداری هستر به مردان زندگی‌اش و همچنین گذشت و ایثار او برای فرزندان‌ش زمانی که مجبور است تمامی غذایی را که پیدا کرده است به آنها بدهد و خود گرسنه بماند قابل تحسین است.

در سال ۲۰۰۱، نمایش «بالا دست / زیر دست» به روی صحنه رفت. اسامی در این نمایشنامه به صورت نمادین مطرح می‌شوند و نامگذاری یک قمارباز به اسم لینکلن (رئیس جمهور آمریکا که حامی آزادی سیاه‌پوستان بود)،

و برادر او به نام بوث (که در تاریخ، قاتل لینکلن است) که می‌خواهد قمارباز حرفه‌ای



شود به شوخی از طرف پدر این دو شخصیت گذاشته شده است. این نمایش نشان‌دهنده مصنوعی بودن زندگی روزمره و نقشه‌هایی است که بازی می‌کنیم و ماسک‌هایی که بر چهره می‌گذاریم. زبان نمایش خشن است و پارکز می‌گوید: «زبان از این جا منبث می‌شود زیرا این

داستان نویسی این کار را انجام داد و هنگام خواندن شخصیتها را به صورتی بازی می‌کرد. بدین صورت از نویسندگی به اجرای نمایشی نزدیک شده و بالدوین با پرسش اینکه او چرا نمایشنامه نمی‌نویسد انگیزه لازم و جهت‌گیری لازم را در او ایجاد کرد و بدین ترتیب نمایشنامه‌نویسی او شروع شد که به نگارش چند نمایشنامه کوتاه انجامید.

اولین نمایشنامه بلند او «تغییرات غیر محسوس در قلمرو پادشاهی سوم (۳)» در سال ۱۹۸۹ روی صحنه رفت و جایزه اوبی را نصیب خود نمود. این نمایشنامه بسیار مورد توجه و استقبال قرار گرفت و نظرهای منتقدین را به پارکز جلب کرد. در همان سال نیویورک تایمز از او به عنوان نویددهنده‌ترین نمایش‌نویس سال یاد کرد. قسمتی از این نمایش در مورد یک گروه‌هیان سیاه‌پوست ارتش است که از خانواده خود جدا شده (شاید اشاره و یا الهامی از خانواده خود) و قسمتی در مورد روز اعلام آزادی سیاه‌پوستان در سال ۱۸۶۵ میلادی است و بازیگران سیاه‌پوست با صورت سفید شده نقش خود را بازی می‌کنند. نمایشنامه‌های بعدی او «مرگ آخرین مرد سیاه‌پوست در تمامی کل جهان (۴)» در سال ۱۹۹۰ میلادی و سپس «جانسپاران در باغ عشق (۵)» را در سال ۱۹۹۲ میلادی نوشت.

«نمایش آمریکا (۶)» (۱۹۹۰) حول محور شخصیتی سیاه‌پوست (هر چند پارکز معتقد است که این نمایش می‌تواند با یک گروه بازیگر سفید اجرا شود) می‌چرخد که شسیه آبراهام لینکلن، رئیس جمهور متوفی آمریکا است. آنقدر به او گفته می‌شود که چقدر شسیه لینکلن است که به تدریج ارتباط روحی شدیدی با لینکلن پیدا می‌کند و صحبت‌های او را حفظ و در نهایت خانواده خود را ترک می‌کند و به سمت غرب می‌رود که نقش او را بازی کند.

پارکز در سال ۱۹۹۶ میلادی نمایشنامه «نوس» (۷) را نوشت که در مورد یک زن سیاه‌پوست به نام ونوس هانتات، زنی که به المنظر است که از زیباییهای مورد نظر اروپایی بهره نبرده و به عنوان موجود عجیب و غریب برای به نمایش گذاشتن به انگلستان آورده می‌شود. ونوس در موقعیت منزجرانه خود رشد می‌کند و با یک دانشمند فرانسوی دوست می‌شود که او را رها می‌کند. در نهایت پس از مرگ ونوس، این دانشمند جسد او را تشریح می‌کند.

«داغ ننگ (۸)» رمان معروف ناتانیل هائورن مبنای الهامی برای نمایش بعدی پارکز بود که نامش را اول

آدمها تحت فشار هستند و راه فرارشان بسته شده است.» پارکز در مورد اینکه چه شد که این نمایش را نوشته است و از کجا الهام پذیرفته، می‌گوید: «این نمایش مرا انتخاب کرد. من نه برنامه‌ریزی کردم، نه نقشه‌ای کشیدم و نه طرحی داشتم... (۱۲) منتقد روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد: «این نمایشنامه در مورد حقیقت جاودانی صحبت می‌کند، با صدایی که فراتر از زمان و مکان است. این نمایش انسانیت ما را لخت و عریان نشان می‌دهد، با کمال صداقت و بصیرت، آنچنانکه هملت یا ادیپ نشان دهنده اساس و بنیان ما آدمیان است. افشاگری ترسناکی که در قلب این نمایش نهفته است این است که دموکراسی ایده‌آل آمریکایی به نظر به همان اندازه کارتهای بازی لینکلن ریاکارانه و متقلبانه است: همیشه یک نفر بالادست است و یک نفر زیر... آنچه پارکز به ما نشان می‌دهد این است که چه باعث می‌شود

یک آدم خوب به یک
ستمگر تبدیل شود که
حاضر است حتی
فردی را که

پیش
از همه
دوست دارد
تحت کنترل قرار
دهد تا بتواند منافع
خود را حفظ
کند. (۱۳)»
گفته می‌شود که
نکنه قابل توجه در
آثار پارکز علاقه او
در استفاده توأمان از
گفتار و رفتار است.
او زبان عامیانه را
برای گفتار استفاده
می‌کند و سعی
می‌کند: «زبان را آن
جور استفاده کند که
تماشاگران تصور
می‌کنند به کار
می‌رود. اما او به
ارزش موسیقایی



و مسحورکننده کلمات توجه دارد.» (۱۴) پاملاتایسون که در چند نمایش از نوشته‌های پارکز بازی کرده است می‌گوید: «او همان کاری را می‌کند که شکسپیر با متن انجام داده است. نمی‌شود یک زبان تنبل داشت. باید دهانت را باز کنی، باید در صحبت کردن ماهر باشی، باید آهنگین و خوش نوا باشی، باید صدایت رنگ داشته باشد و با زیر و بم و الحان مختلف صحبت کنی، و او برای شما این امکان را فراهم کرده است که بتوانی از تمامیت ابراز صوتی‌ات استفاده کنی. (۱۵)»

پارکز می‌گوید در نمایشنامه‌هایش یک سوال اساسی مطرح است و آن جستجو در مورد این است که سوزان — لوری پارکز چه کسی است. نمایشنامه‌های او به ندرت در تئاترهای مخصوص اجرای نمایشهای سیاه‌پوستی به روی صحنه می‌رود. او همیشه به دنبال تماشاچی گسترده‌تری است.

نمایشنامه‌های او غیرخطی و تصویری هستند و از تکرار کلمات بهره می‌برند و شخصیت‌های نمایش او دارای نام‌های معنی‌دار هستند که باعث می‌شود تماشاچی به هدف نمایش و به عمق شخصیت نقشها فکر کند. برای پارکز، صحنه، مکانی است که تاریخ و شخصیت‌های تاریخی و انسان در موقعیتی آزاد قرار می‌گیرند و از دل آن حقایق کشف می‌شود. نمایشنامه‌های او تاریخ، افسانه و اسطوره را در هم می‌آمیزد و با زبان تمثیلی و نمادین از درون خانه و خیابانهای شهری حقایق انسانی را نشان می‌دهد.

۱- Topdog/ Underdog، قربانی/ قهرمان هم ترجمه شده است.
۲- Possession of Suzan- Shawn- Marie Garrett, The Lori Parks, ۲۰۰۰, Theatre Communications Group

۳- Imperceptible Mutabilities in the Third Kingdom
۴- The Death of the Last Black Man in the Whole Entire World
۵- Devotees in the Garden of Love
۶- The America Play
۷- Venus
۸- Scarlet Letter
۹- Fucking A
۱۰- In The Blood

۱۱- بی بی سی، سه شنبه ۹ آوریل ۲۰۰۲
۱۲- شنال پابلیک رادیو، July ۸, ۲۰۰۱
۱۳- Martin Denton, The New York Theatre Experience, NY Theatre. Com, July ۲۵, ۲۰۰۱
۱۴- Toby Zinman, Star Power: Rising Young Playwright Suzan- Lori Parks at The Wilma Theatre, Philadelphia City Paper, September ۱۱, ۱۹۹۷
۱۵- Shawn- Marie Garrett, The Possession of Suzan- Lori Parks, ۲۰۰۰, Theatre Communications Group



سنت و استعداد فردی

محمدرضا شمس‌الدین
پژوهش‌گر فلسفه تعلیم و تربیت

سنت، سنت‌ها هر زمان در میان ما جاری و جاریست و با آن

سنت‌ها فردی و سنت‌ها بنا بر آنکه هر یک از این سنت‌ها

هر چنان که از گذشته‌ها و هر یک از این سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها

سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها و سنت‌ها



مجله علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بعدهی. سنت بز
 شما در اعجاز
 هنری ۱۲ با
 سنت فردی
 دانشمندان زندگی
 سالهای زندگی
 اشکال زندگی
 سحر خیز خود
 و حس کرده



پرتال جامع علوم انسانی

اگر نویسنده هرگز از مراجع رویاها و خوابها استفاده نکند و به موضوعات متداول و کلیشه‌ای اکتفا نکند، در صورتی که مورد ماهی

کار می‌کنند و سال نویسان را همه به موسیقی و ای فیتز جرالد ۷ و می‌توانند اندازه جان و به

می‌کنند و می‌توانند اندازه جان و به

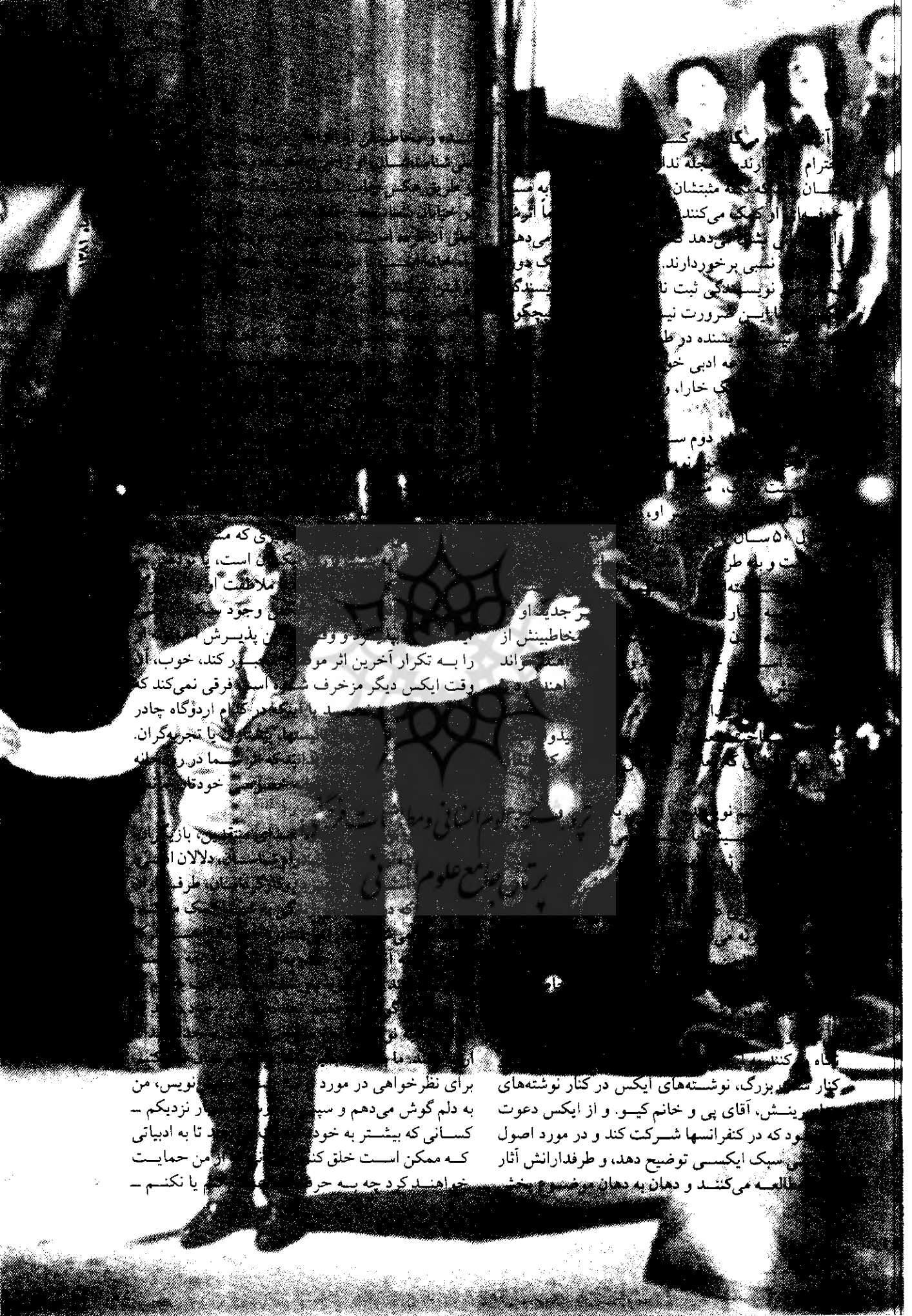
۱۶ هر دو بندرت
 ایشنامه، یا یک
 خت کار می‌کند و
 معاشرت کند که

ن امیلی
 کی می‌کردند
 ده یک رمان،
 ی را می‌نویسد
 است که اصولاً

خانه خو
 بنایر این
 مجموع
 آنقدر با

من به خوبی داستایوفسکی
 ای دارد؟ فایده! ادبیات آن
 ده است درون خود دارد،

م زمانی
 ریم، پس
 درون خا



آنرا می‌کنند و گاهی
 مترام
 انسان
 او که می‌کنند
 نویسی برخوردارند
 نویسه‌هایی ثبت
 این ضرورت نیست
 نوشته در ط
 ادبی خو
 که خارا، و
 دوم س

و معانی
 شناسند
 به س
 می ده
 ک ی
 سبک
 چگونگی

ت
 او
 ل ۵۰
 ت و به ط
 ار
 یلو

ی که مس
 است،
 ملاقات
 وجود
 پذیرش
 را به تکرار آخرین اثر مو
 وقت ایکس دیگر مزخرف
 اردوگاه چادر
 نا تجربه گران

جدید او
 مخاطبینش از
 را به تکرار آخرین اثر مو
 وقت ایکس دیگر مزخرف
 اردوگاه چادر
 نا تجربه گران

نویس
 دلم گوش می‌دهم و سپ
 کسانی که بیشتر به خود
 که ممکن است خلق کن
 خراهند که دجه سه حر

نویس، من
 از نزدیکم -
 تا به ادبیاتی
 از من حمایت
 یا نکنم -

نویس، من
 از نزدیکم -
 تا به ادبیاتی
 از من حمایت
 یا نکنم -